

ما يتعلق الصلاة:

نماز

س ١٧ / ما حكم الذي يهمل الأعمال العبادية وخصوصاً الصلوات الواجبة، وما نصيحة اليماني الموعود (عليه السلام) للأنصار بخصوص الأعمال العبادية لاسيما الواجبة، وهل هناك علاج لهذه العادة التي تعود عليها الكثير من الناس؟
پرسش ١٧:

حكم کسی که در انجام دادن اعمال عبادی به ویژه نمازهای واجب- سُستی و تنبلی می کند چیست؟ یمانی موعود (علیه السلام) برای انصار در خصوص اعمال عبادی به ویژه واجبات- چه نصیحتی دارند؟ و آیا برای این عادت که گریبانگیر بسیاری از مردم است راهلی وجود دارد؟

ج / حکمه يستغفر ويكثر من الاستغفار، والعلاج هو ذكر الله فليمسك بيده مسبحة مثلاً ومتى سنحت له الفرصة فليستغفر ويقول: "استغفر الله"، أو يحمد الله ويقول: "الحمد لله"، أو ما شاء من الأذكار، ومع كثرة الذكر إن شاء الله يميل قلبه لأداء الصلاة، أيضاً: صلاة الجماعة والاجتماع بالمؤمنين من دواعي التوجه للعبادة والصلاة.

پاسخ:

حكم او این است که استغفار کند، بسیار استغفار کند؛ و راهل، یاد خدا است؛ به عنوان مثال تسبیحی به دست گیرد و هر وقت زمان به او اجازه داد استغفار کند و بگوید: «استغفر الله» یا خدا را ستایش کند و بگوید: «الحمد لله» یا هر زکری که خواست بگوید، و با بسیار شدن ذکر ان شاء الله قلبش برای بهجا آوردن نماز متمایل می شود؛ به علاوه نماز جماعت و گردآمدن با مؤمنان از فراخوان های توجه به عبادت و نماز هستند.

س ١٨ / كثيراً ما يتعارض واجب الأمومة كإسكات الطفل وإرضاعه وحمايته مع واجب المحافظة على الصلاة في أول وقتها، وأحياناً تخير المرأة في وقت الضيق بين تلبية حاجات طفلها الملحة وبين أداء فريضة في وقتها، فكيف على المرأة أن تصنع وأيهما تقدم؟

پرسش ١٨:

بسیاری مواقع دو واجب با هم تعارض پیدا می‌کنند؛ مثل مادری کردن نظیر آرام کردن، شیر دادن و توجه به کودک و محافظت بر نماز اول وقت. گاهی زن در تنگنای زمانی میان برآوردن نیازهای کودک شیرخوارش و بهجا آوردن فریضه واجب در اول وقتش قرار می‌گیرد، در این صورت این زن چه باید بکند و کدامیک را پیش اندازد؟

ج/ من أراد شيئاً أعد له عدته، فالمرأة إذا كانت تريد أداء صلاة الظهر في أول وقتها مثلاً وتخاف أن يطلب الرضيع الرضاعة في أول وقت الصلاة يمكنها أن تعرض عليه الرضاعة قبل نصف ساعة مثلاً من دخول وقت الصلاة وهكذا بقية الأمور، أما إذا كان الأمر عارضاً فأكد أن عليها أن تجعل حالة رضيعها مستقرة ثم تتوجه للصلاة؛ لأنها إن لم تفعل فربما ستتشغل أثناء صلاتها بالتفكير بحال رضيعها المضطربة.

پاسخ:

کسی که چیزی را می‌خواهد خود را برای به دست آوردنش مهیا می‌کند؛ بنابراین اگر زنی بخواهد به‌عنوان مثال نماز ظهر را در اول وقتش بهجا آورد و ترس آن دارد که کودک شیرخوارش همان موقع از او شیر بخواهد، می‌تواند به‌عنوان مثال نیم‌ساعت پیش از داخل شدن به وقت نماز بچه را شیر بدهد، و به همین ترتیب سایر موارد (را مدیریت کند)؛ اما در صورتی که تعارضی پیش آید، ابتدا باید کودک شیرخوارش را آرام کند سپس به نمازش بپردازد؛ چراکه اگر زن چنین نکند چه‌بسا در میان نمازش، فکرش مشغول کودک شیرخوار بی‌قرارش می‌گردد.

س ۱۹ / هل يجب وضع منبه للصلاة إذا عرف المصلي أن نومه ثقيل أو لا يستيقظ بسهولة؟

پرسش ۱۹:

اگر نمازگزار بداند که خوابش سنگین است یا به‌آسانی بیدار نمی‌شود آیا واجب است چیزی را قرار دهد که او را برای نماز آگاه کند؟

ج/ لا يجب، ولكنه أفضل.

پاسخ:

واجب نیست، ولی بهتر است.

س ۲۰ / هناك سؤال يخص هذا البلد الذي يسكن فيه أخوة مؤمنون، وهو في شقين:

الشق الأول: بعض الأخوة المؤمنین يصلون وأصلي معهم ويمسكون وأمسك معهم قبل الشروق بساعة ونصف لعلّة اختفاء الفجر في بلدان الدول الإسكندنافية في فترة الصيف، ولكن بعضهم يستمر بتطبيق الحكم في فصل الشتاء أيضاً، أي لا يصلون إلا قبل الشروق بساعة ونصف ولا يمسكون إلا قبل الشروق بساعة ونصف، مع أنّ الفجر في فترة الشتاء يكون واضحاً جداً عندنا بعكس فترة الصيف، فهل ما يفعله هؤلاء الأخوة صحيح؟

الشق الثاني: عند متابعتي لأفق السويد وجدت أنّ الاختلافات شاسعة في فترتي الصيف والشتاء، وهذه التباينات تختلف درجاتها بينمدينة ومدينة أخرى حسب موقع المدينة، والسؤال: هل يمكن الاعتماد على تحديد وقت الفجر في فترة الشتاء فقط على المعلومات التي يكون مصدرها بعض الهواة الفلكيين، أو المراكز الإسلامية كمركز الامام علي ع، أم يجب علينا متابعة الأفق بأنفسنا؟

پرسش ۲۰:

پرسشی در خصوص شهری است که برادران مؤمن در آن سکونت دارند و شامل دو بخش است:

بخش نخست: بعضی از برادران مؤمن به علت مخفی بودن فجر در فصل تابستان در کشورهای اسکاندیناوی، یک ساعت و نیم پیش از طلوع خورشید نماز می‌خوانند و من نیز با آنها نماز می‌گزارم. و امساک می‌کنند و من نیز با آنها امساک می‌کنم. ولی برخی دیگر این حکم را در فصل زمستان هم پیاده می‌کنند، یعنی در فصل زمستان هم یک ساعت و نیم پیش از طلوع خورشید نماز می‌خوانند و یک ساعت و نیم پیش از طلوع خورشید امساک می‌کنند با اینکه فجر در فصل زمستان برخلاف فصل تابستان - به‌خوبی واضح و روشن است! آیا آنچه این برادران انجام می‌دهند درست است؟

بخش دوم: برای کسانی که تابع اُفق سوئد هستند، اختلاف بسیاری در دو فصل تابستان و زمستان وجود دارد و مقدار این اختلاف‌ها با توجه به موقعیت هر شهر از شهری به شهر دیگر متفاوت است. پرسش: آیا در تعیین وقت فجر در فصل زمستان می‌توان صرفاً به اطلاعاتی که مرجعشان برخی رصدخانه‌ها است اعتماد نمود؟ یا به مراکز اسلامی مانند مرکز امام علی ع؟ یا ما باید خودمان رأساً اُفق را دنبال کنیم؟

ج/ سؤالك الأول حول تحديد حالكم ارجعوا فيه إلى ما بيّنته لكم سابقاً وهو واضح، أما وقت الفجر فقد بيّنت سبيل معرفته سابقاً، وأنقل لك الجواب أيضاً:
پاسخ:

پرسش نخست که دربارهٔ وضعیت شماست؛ به آنچه پیش‌تر بیان کرده‌ام مراجعه کنید که واضح و روشن است. اما در خصوص شناختن وقت فجر، پیش‌تر راه آن را بیان کرده‌ام، که پاسخ را در اینجا برای شما نقل می‌کنم:

[وبالنسبة لوقت الفجر، فإن كان بالإمكان ترقّبه ومعرفة من علامته التي بيّنتها في الشرائع فيها، وإلا فهو عندما تكون الشمس ١٩ درجة تحت الأفق، وإن لم يمكن هذا فهو قبل الشروق بساعة ونصف أي ٩٠ دقيقة] الأجوبة الفقهية - الصلاة.

در مورد وقت فجر (نماز صبح) اگر بتواند آن را با توجه به علامتش که در کتاب شرایع بیان کرده‌ام تشخیص دهد- چنین کند، وگرنه وقت آن را موقعی که خورشید ۱۹ درجه زیر افق قرار دارد محاسبه می‌نماید و اگر این امکان فراهم نباشد وقتش یک ساعت و نیم یا ۹۰ دقیقه- پیش از طلوع می‌باشد. (پاسخ‌های

فقهی کتاب نماز)

ويمكن الاعتماد على الحسابات العلمية الصحيحة، ولا يهم من يكون مصدرها. می‌توان به محاسبات علمی درست اعتماد کرد و اینکه مرجع آن‌ها چه کسی است اهمیتی ندارد.

س ۲۱/ هل يكفي قول أشهد أنّ علياً وأولاده المعصومين بدل الشهادة الرابعة في الأذان؟

پرسش ۲۱:

آیا گفتن «أشهد أنّ علياً و أولاده المعصومين» به‌جای شهادت چهارم در اذان کفایت می‌کند؟

ج/ إذا كان لتقية يكفي، وإلا فلا بد من الشهادات الأربع كما بيّنت في الشرائع.

پاسخ:

در صورت تقیه کفایت می‌کند، وگرنه باید شهادت‌های چهارگانه به همان صورتی که در کتاب شرایع بیان کرده‌ام- گفته شود.

س ۲۲ / كنت أصلي وعند سجودي وجدت دماً على التربة وهو من جبهتي، وأكملت الفرض الأول ولم أقطع صلاتي، ثم غسلت جبهتي وتوضأت ورجعت لإكمال الفرض الثاني، هل الدم أبطل الصلاة ويجب إعادتها؟
پرسش ۲۲:

در نماز و در هنگام سجده، روی مُهرِ خونی دیدم که از پیشانی‌ام بود. نماز اول را تمام کردم و آن را قطع نکردم. سپس صورتم را شستم، وضو گرفتم و برای تکمیل نماز دوم بازگشتم. آیا این خون موجب باطل شدن نماز شده است و باید آن را تکرار کرد؟

ج / لابد من طهارة موضع السجود لتصح الصلاة، فمع العلم بنجاسته ولو في أثناء الصلاة يجب العدول عنه والسجود على موضع طاهر ولو كان جزءاً من الثوب، وإذا لم يفعل فعليه أن يعيد صلاته، ولكن لو كانت النجاسة هي عبارة عن دم خرج في أثناء الصلاة أو السجود من نفس الشخص الساجد بسبب قرح أو جرح في جبهته أو وجهه أو أنفه فلا إشكال أن يتم صلاته، وصلاته صحيحة ولا يجب عليه إعادتها.
پاسخ:

مکان سجده باید پاک باشد تا نماز صحیح باشد؛ پس با علم به نجس بودن موضع سجده حتی در حین نماز- باید از آن موضع کنار رفت و بر مکانی پاک سجده کرد حتی اگر قسمتی از لباس باشد- و اگر چنین نکند باید نماز را تکرار کند؛ اما اگر نجاست عبارت باشد از خونی که به سبب زخم یا جراحتی در پیشانی یا صورت یا بینی که در حین نماز یا سجده از خود شخص سجده‌کننده خارج شده باشد، اشکالی ندارد که نمازش را تمام کند و نمازش صحیح است واجب نیست آن را تکرار کند.

س ۲۳ / هل يمكن لغير العربي أن يدعو في صلاته بلغته الأم، في القنوت أو السجود مثلاً، وهل يوجد فرق بين الصلاة الواجبة والمستحبة؟
پرسش ۲۳:

آیا غیر عرب می‌تواند در نمازش به زبان مادری دعا کند، مثلاً در قنوت یا سجده؟ و آیا فرقی بین نماز واجب و مستحب وجود دارد؟

ج/ يجوز أن تدعو بأي لغة تشاء في القنوت والركوع والسجود.

پاسخ:

می‌توانی در قنوت، رکوع و سجده به هر زبانی که می‌خواهی دعا کنی.

س ۲۴ / هل يجوز لعن علماء السوء وفقهاء الضلالة في قنوت الصلاة ؟

پرسش ۲۴:

آیا لعنت کردن علمای فاسد و فقهای گمراه در قنوت نماز جایز است؟

ج/ إذا كنت تقصد من لا زالوا في دنيا الامتحان فلا فائدة تتحقق من لعنهم في قنوت الصلاة، فاللعن هو دعاء للطرد من رحمة الله، وهم إن ماتوا على حالهم مطرودون من رحمة الله، وربما الأفضل الدعاء بالهداية لمن تأمل منه الهداية ومعرفة الحق ما دام على قيد الحياة وفي دنيا الامتحان.

پاسخ:

اگر منظور شما کسانی هستند که هنوز در دنیای امتحان هستند، فایده‌ای از لعن آن‌ها در قنوت نماز حاصل نمی‌شود، چون لعنت کردن عبارت است از نفرین برای دوری از رحمت خدا و اگر آن‌ها در همین وضعیت خود بمیرند از رحمت خدا رانده شده هستند. چه‌بسا بهتر، دعا کردن برای هدایت باشد؛ برای هدایت کسی که امید است هدایت شود و حق را بشناسد، تا آن هنگامی که او در قید زندگانی این دنیا و در دنیای امتحان قرار دارد.

س ۲۵ / ما حکم من هوی للسجود وسجد السجدة الأولى قبل الإمام في صلاة الجماعة ورفع رأسه من السجدة الأولى منتظراً الإمام، ثم التحق بالإمام في السجدة الثانية ؟

پرسش ۲۵:

اگر کسی در نماز جماعت برای سجده خم شود و سجده اول را پیش از امام انجام دهد و از آن سر بردارد و منتظر امام شود، سپس در سجده دوم به امام ملحق شود، چه حکمی دارد؟

ج/ قد بیئت هذه المسألة بالتفصيل في الشرائع وهذا هو النص: [وتجب متابعة الإمام، فلو رفع المأموم رأسه جاهلاً حال الإمام عاد للمتابعة، وإن كان ناسياً عاد للمتابعة. وكذا لو هوى إلى الركوع أو السجود قبل الإمام ظاناً أن الإمام قد هوى عاد وتابع الإمام، أما إذا قصد الركوع قبل الإمام مع علمه بحال الإمام فهو إن كان نوي الانفراد أتم صلاته منفرداً، وإلا بطلت صلاته].

پاسخ:

پیش‌تر این مسئله را با جزئیات در کتاب شرایع بیان کرده‌ام و این متن آن است: (متابعت از امام واجب است؛ پس اگر مأموم ندانسته یا از روی فراموشی سرش را بلند کند باید برگردد و از امام تبعیت کند، و همچنین اگر ندانسته، قبل از امام برای رکوع یا سجده خم شود با این گمان که امام خم شده است باید برگردد و به امام ملحق شود، اما اگر مأموم با علم به حالت امام قبل از او به رکوع رود، اگر نیت فرادا کرده باشد، باید نمازش را فرادا تمام کند وگرنه نمازش باطل است).

فحالك إن كان سهواً كان عليك المتابعة أي لو سجدت أو ركعت قبل الإمام كان عليك أن ترفع رأسك مباشرة وتتابع الإمام وتركع أو تسجد معه، أما إن تأخرت بالمتابعة عن جهل بالحكم الشرعي، كما هو الظاهر من وصفك لما حصل معك، فليس عليك شيء ما دمت قد تابعت الإمام فصلاتك صحيحة.

بنابر این در مورد وضعیت شما، اگر سهوی بوده باشد باید (از امام) پیروی می‌کردی یعنی اگر پیش از امام به سجده یا رکوع رفته باشی باید بلافاصله سر بر می‌داشتی، از امام پیروی می‌کردی و با او به رکوع یا سجده می‌رفتی، اما اگر به دلیل ناآگاهی از حکم شرعی در پیروی (از امام) تأخیر داشته‌ای که از ظاهر توصیف شما درباره آنچه برایت اتفاق افتاده است چنین برمی‌آید. تا هنگامی که از امام پیروی کرده باشی چیزی بر عهده شما نیست و نمازت صحیح است.

س ۲۶ / قبل دخولي في دعوة الحق، كنت أتشهد بين كل ركعتين غير التشهد الأخير والسلام، فلصبح تشهدان، وللمغرب ثلاث تشهدات، وللرباعيات أربعة تشهدات، فهل أعيد صلواتي السابقة، وما هو حكمها الشرعي؟

پرسش ۲۶:

قبل از وارد شدنم به دعوت، علاوه بر تشهد و سلام آخر، بین هر دو رکعت تشهد می‌خواندم. در نماز صبح دو تشهد، مغرب سه تشهد و نمازهای چهار رکعتی را با چهار تشهد می‌خواندم. آیا نمازهای پیشینم را قضا کنم؟ حکم شرعی آن چیست؟

ج / لا تُعَدُّ صَلَاتِكَ.

پاسخ:

نمازهایت را اعاده نکن.

س ۲۷ / كيف تكون الصلاة من حيث القصر أو التمام في المدن الكبيرة مثل سدني، علماً أنّ بيوتها متصلة، وكيف يكون حساب مبدأ المسافة في مثل هذه المدن؟

پرسش ۲۷:

در شهرهای بزرگ مثل سیدنی- نماز از نظر شکسته یا کامل خواندن چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه خانه‌های این شهر به هم پیوسته است. محاسبه مبدأ مسافت در این‌گونه شهرها چگونه خواهد بود؟

ج / المدن الكبيرة مهما اتسعت تعتبر مدينة واحدة، ومهما قطع من مسافة فيها لا يعتبر مسافراً فيتمّ صلاته ويصوم، وكذا لو اتصل ببناء مدينتين فيتمّ ويصوم فيهما حتى وإن قطع مسافة شرعية من إحداهما إلى الأخرى، وإن لم تتصل المدينتان في البناء ولكن كانت المسافة بين بنائهما قريبة جداً بحيث إنّ النقطة التي تقع في الوسط بينهما لا تعدّحداً للترخّص لأيّ منهما فيتمّ ويصوم فيهما معاً حتى وإن قطع المسافة أثناء تنقله بينهما.

پاسخ:

شهرهای بزرگ - هر قدر هم که وسیع باشند- یک شهر محسوب می‌شوند و هر مسافتی هم که در آن طی کند مسافر محسوب نمی‌شود، پس نمازش را کامل می‌خواند و روزه می‌گیرد. همچنین اگر ساختار دو شهر به یکدیگر متصل باشد در این دو شهر نمازش را کامل می‌خواند و روزه می‌گیرد حتی اگر مسافت

شرعی را از یکی به دیگری طی کرده باشد و اگر ساختار دو شهر، پیوسته نباشد ولی فاصله بین آن دو شهر خیلی نزدیک باشد به گونه‌ای که نقطه‌ای که وسط آن دو واقع می‌شود برای هیچ‌یک از آن دو حد ترخص محسوب نشود، در این صورت در این دو شهر نمازش را تمام می‌خواند و روزه می‌گیرد حتی اگر مسافت شرعی را حین جابه‌جایی بین آن شهر دو طی کرده باشد.

س ۲۸ / ما حکم صلاة السجين وصيامه، وهو في حالة تنقل مستمر، والتنقل إجباري؟
پرسش ۲۸:

نماز و روزه زندانی در حالی که پیوسته جابه‌جا می‌شود و این جابه‌جایی اجباری است، چه حکمی دارد؟

ج / أما صلاة وصيام السجين فهو يتم صلاته ويصوم الواجب في كل حال ما دام لا يعرف كم سيبقى في السجن، أما إن علم حاله فيعمل بحسبها فإن كان سيبقى في السجن أقل من عشرة أيام والسجن بعيد بمسافة سفر عن مكان استقراره أو بيته فيقصر ويفطر، وإن كان عشرة وأكثر أتم وصام، أما مجرد نقله من سجن إلى سجن فلا يغير شيئاً.
پاسخ:

اما در مورد نماز و روزه زندانی، تا زمانی که نمی‌داند چقدر در زندان می‌ماند، در هر حال نمازش را تمام می‌خواند و روزه واجب را می‌گیرد؛ اما اگر از وضعیت خود آگاهی دارد طبق آن عمل می‌کند؛ بنابراین اگر کمتر از ده روز در زندان می‌ماند و زندان از حداقل مسافت سفر از مکان استقرار یا خانه‌اش دور باشد، نمازش شکسته است و روزه‌اش را افطار می‌کند، و اگر ده روز یا بیشتر بماند، نمازش را تمام می‌خواند و روزه می‌گیرد؛ اما صرف جابه‌جا شدن او از زندانی به زندانی دیگر چیزی را تغییر نمی‌دهد.

س ۲۹ / كنت في دوامي الرسمي كثير السفر، حيث أقطع المسافة الشرعية أكثر من أربعة أيام في الأسبوع، وتحول دوامي إلى مناوب، وحسب القانون الرسمي للدائرة يكون قطعي للمسافة الشرعية أكثر من أربعة أيام في الأسبوع لكن تتخلل دوامي إجازات كثيرة، فكنت أبنى على أنني كثير السفر. والسؤال: ما هو حكم الأيام

التي كنت أبني عليها بأني كثير السفر، وما هو حكم صيام شهر رمضان المبارك أثناء الدوام؟

پرسش ۲۹:

در کار رسمی خود کثیر السفر بودم، به گونه‌ای که مسافت شرعی را بیشتر از چهار روز در هفته طی می‌کردم. مداومت کارم تبدیل به شیفتی شد و طبق قانون رسمی اداره، طی کردن مسافت شرعی برای من بیشتر از چهار روز در هفته است؛ اما دستورهای زیادی در مداومت کارم خلل ایجاد می‌کند، و من بنا را بر این گذاشته بودم که کثیر السفر هستم. سؤال: حکم روزهایی که بنا را بر کثیر السفر بودن گذاشته بودم، چیست؟ و حکم روزه ماه رمضان در حین مداومت چیست؟

ج/ مسألة كثير السفر قد بيّنتها بالتفصيل، فيمكنك الرجوع لها والتأكد من حالك إن كنت كثير السفر أم لا، وبالتالي تعمل بحسب تكليفك، وهذه مسألة أنقلها لك من كتاب الشرائع ليسهل عليك تطبيقها على حالك:

[الشرط الخامس: أن لا يكون سفره أكثر من حضره، كالبدوي الذي يطلب القطر، والمكاري والملاح والتاجر الذي يطلب الأسواق والبريد. وضابطه: كل من كان سفره أربعة أيام في الأسبوع، أو ستة عشر يوماً في الشهر، أو ستة أشهر ويوم في السنة على الدوام، أتم وصام في السفر، ويبدأ بالتمام والصيام متى علم أن هذا حاله ولو كان في أول يوم من سفره].

أما ما عملته سابقاً بناءً على تصورك أنك كثير السفر، فهو صحيح ولا تعيد صلاتك ولا صيامك حتى وإن كنت تعتبر نفسك كثير السفر وظهر لك الآن أنك غير مصيب في حسابك لحالك.

پاسخ:

مسئله کثیر السفر را به تفصیل بیان کرده‌ام و شما می‌توانی به آن مراجعه کنی و ببینی کثیر السفر هستی یا نه و طبق تکلیف خودت عمل کنی. این مسئله را از کتاب شرایع برای شما بیان می‌کنم تا به سادگی آن را بر وضعیت خودت تطبیق دهی:

شرط پنجم: سفرش بیش از در وطن ماندنش (کثیر السفر)

نباشد.

مانند کوچ‌نشینانی که به دنبال مراتع مناسب می‌روند و کسی

که با کرایه، باری را حمل میکند (راننده) و کشتی‌رانان و

تاجران دوره‌گرد و نامهرسانان.

ضابطه و ملاک تشخیص کثیرالسفر این است کسی که سفرش به شکل مستمر چهار روز در هفته، یا شانزده روز در ماه یا شش ماه و یک روز در سال باشد باید نمازش را در سفر کامل بخواند و روزه بگیرد، و از زمانی که بفهمد وضعیتش چنین است حکم نماز و روزهای اینگونه خواهد بود، حتی اگر اولین روز سفرش باشد. (کتاب احکام نورانی اسلام جلد اول)

اما آنچه پیشتر طبق تصور خودت مبنی بر اینکه کثیرالسفر هستی انجام داده‌ای، صحیح است و نماز و روزهات را تکرار نکن؛ حتی اگر خودت را کثیرالسفر به حساب آورده باشی و اکنون برایت روشن شده باشد که محاسبات درست نبوده است.

س ۳۰ / ما حکم الصلاة في مسجد توجد أمامه مقبرة أو بجانبه، سواء كان هناك حائل بين المسجد والمقبرة أو لا ؟
پرسش ۳۰:

نماز خواندن در مسجدی که در جلو یا کنار آن قبرستانی وجود دارد چه حکمی دارد؟ چه حائلی بین مسجد و قبرستان وجود داشته باشد و چه نباشد.

ج / يجوز الصلاة فيه.

پاسخ:

نماز در آن جایز است.

س ۳۱ / من بين الأماكن التي يكره الصلاة فيها هو الحمام، سؤالي: في حال حلول وقت الصلاة ولا مكان للقيام بها إلا في حمام، فهل الأفضل الصلاة في أول الوقت في الحمام مع كراهة المكان، أو الصلاة عند توفر مكان "لائق" مع فوات وقت الفضيلة (أول الوقت) ؟
پرسش ۳۱:

حمام از جمله اماکنی است که نماز در آن مکروه می‌باشد. سؤال من این است: هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسد و جایی غیر از حمام برای اقامه نماز در دسترس نباشد، آیا نماز اول وقت در حمام با وجود کراهت داشتن مکان بهتر است؟ یا باوجود از دست رفتن زمان بهتر (اول وقت) خواندن نماز در جایی شایسته؟

ج/ مع الاضطرار، فالصلاة في أول الوقت في الحمام أفضل من تأخير الصلاة، وكذا الصلاة جالساً أو قائماً مستقبلاً أو مستديراً للقبلة في الطائرة أو السيارة في أول الوقت أفضل من تأخير الصلاة خصوصاً مع احتمال فوات وقت أدائها، ولو صلى لا يجب عليه أن يعيدها حتى مع بقاء الوقت.

پاسخ:

در صورت وجود اضطرار، نماز در اول وقت در حمام بهتر از به تأخیر انداختن نماز است. همچنین نماز نشسته یا ایستاده در حالت روبه‌قبله یا پشت به آن در هواپیما یا ماشین در اول وقت بهتر از به تأخیر انداختن نماز است به‌خصوص هنگامی که احتمال دارد وقت ادای آن فوت شود. و اگر نماز خواند، واجب نیست آن را تکرار کند حتی اگر وقت باقی‌مانده باشد.

س ۳۲ / قال تعالى: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى) [البقرة: ۲۳۸]، ما هي الصلاة الوسطى؟

پرسش ۳۲:

خدای متعال می‌فرماید: ((بر نمازها و نماز وسطی محافظت کنید)) [البقرة: ۲۳۸]؛ نماز وسطی چیست؟

ج/ الصلاة الوسطى هي الجمعة وولاية الذي يستدير عليه الفلك، أي الإمامة والهداية.

پاسخ:

نماز وسطی، نماز جمعه است، ولایتی است که به واسطه آن فلک می‌چرخد؛ یعنی امامت و هدایت.

س ۳۳ / ما حكم إمامة المسافر للجماعة بصلاة الجمعة وباقي الصلوات؟

پرسش ۳۳:

امامت شخص مسافر برای نماز جماعت در نماز جمعه و سایر نمازها چه حکمی دارد؟

ج/ يجوز للمسافر أن يقيم الجمعة وأن يأم غيره بصلاة الجمعة والجماعة، ولكن يكره أن يأم حاضر بمسافر في صلاة الجماعة.

پاسخ:

جایز است که مسافر نماز جمعه را اقامه کند و کسان دیگر می‌توانند در نماز جمعه و جماعت به او اقتدا کنند، ولی کراهت دارد که حاضر به مسافر در نماز جماعت اقتدا کند.

س ۳۴ / هل يعتدّ في صلاة الجمعة بشخص غير مؤمن بالحق من حيث إكماله العدد المطلوب فيها، علماً أنه غير معادٍ لدعوة الحق؟

پرسش ۳۴:

آیا شخصی که مؤمن به حق نیست در نماز جمعه، جزو تعداد نفرات مطلوب محاسبه می‌شود؟ با توجه به اینکه او دشمنی با دعوت حق نداشته باشد؟

ج / لا يعتدّ إلا بالمؤمن.

پاسخ:

محسوب نمی‌شود مگر اینکه مؤمن باشد.

س ۳۵ / هل يجوز لشخص تولّي خطبتي صلاة الجمعة، ولكن لأسباب صحية يقوم شخص آخر بإقامة الصلاة؟

پرسش ۳۵:

آیا شخصی می‌تواند متولی دو خطبه نماز جمعه بشود ولی به دلیل مشکل سلامتی، شخص دیگری نماز را اقامه کند؟

ج / لا يجوز إلا عند الضرورة، أما إذا كان الخطيب أو إمام الجمعة مريضاً أو ما شابه ولا يستطيع الصلاة أو القاء الخطبة فيترك الخطبة والصلاة معاً لغيره ولا داعياً ليخطب ويصلي غيره أو العكس.

پاسخ:

جایز نیست مگر در حال ضرورت؛ اما اگر خطیب یا امام جمعه مریض یا شبیه آن باشد و نتواند نماز یا خطبه بخواند، خطبه و نماز را با هم به دیگری واگذار می‌کند و دلیلی ندارد که خطبه بخواند و شخص دیگری نماز را اقامه کند یا برعکس.

س ۳۶ / بعد تنصیب ائمة الجمعة، أصبح الحضور واجباً، لكن بالنسبة لمن يرتبطون بعمل في الدوائر أو مرتبطون بعمل مع أصحاب المحلات ولا يسمحون لهم بترك أعمالهم، فما هو تكليفهم؟

پرسش ۳۶:

بعد از مشخص شدن ائمة جمعه، حضور در آن واجب است، اما در مورد کسانی که مشغول کار در ادارجات هستند یا کسانی که با اصحاب محله‌ها در ارتباط هستند و نمی‌توانند کار خود را ترک کنند، تکلیفشان چیست؟

ج / المفروض أنّ المؤمن يرتب أمره بحيث يحصل على ساعة استراحة في وقت الصلاة باعتبارها ساعة تناول غداء أو ما شابه فيمكنه الحضور، وعلى إمام الجمعة أن يراعي ظروف المؤمنين، وأن لا يطيل في الخطبة أو الصلاة، وعموماً على أئمة الجمعة في كل مكان أن لا يطيلوا الخطبة وأن يخففوا على المؤمنين ويراعوا ظروفهم، جزاهم الله خير جزاء المحسنين.

پاسخ:

مؤمن باید کارش را به‌گونه‌ای ترتیب دهد که ساعت استراحتی در وقت نماز داشته باشد با این عنوان که ساعت خوردن ناهار یا شبیه آن است. و بتواند در نماز حضور یابد. امام جمعه باید وضعیت مؤمنان را مدنظر قرار دهد و خطبه یا نماز را طولانی نکند و به‌طور کلی ائمة جمعه در همه‌جا نباید خطبه را طولانی کنند و باید بر مؤمنان آسان بگیرند و شرایط آن‌ها را مراعات کنند. خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به آن‌ها عطا فرماید.

س ۳۷ / إذا أقيمت صلاة الجماعة المستحبة أو الجمعة المستحبة في بيت وكان بعض المكلفين في بيت آخر أو شارع آخر، فهل يجب على هؤلاء البعض الحضور أيضاً في هذه الحالة؟

پرسش ۳۷:

وقتی نماز جماعت مستحبی یا نماز جمعه در خانه‌ای اقامه شود و برخی از مکلفین در خانه یا خیابان دیگری باشند، آیا در این حالت نیز حضور داشتن بر آن‌ها واجب است؟

ج / صلاة الجمعة مع العلم بإقامتها يجب الحضور.

پاسخ:

در صورتی‌که از اقامه نماز جمعه مطلع باشند، حضور پیدا کردن واجب است.

س ۳۸ / أنعم الله عليّ بالمعالجة الروحانية، وعادة ما أكون مشغولاً في يوم الجمعة لكون الناس الذين يأتون من غير محافظتي في يوم الجمعة بالذات، وإني أبلغ هذه الدعوة المباركة من يأتي للعلاج، ويمنعني ذلك من الحضور في صلاة الجمعة، فهل يجوز ذلك؟

پرسش ۳۸:

خداوند نعمت مداوای روحی را به من داده است و معمولاً در روز جمعه مشغول کسانی هستم که از استان های دیگر و فقط در روز جمعه نزد من می آیند. من این دعوت مبارک را به هرکسی که برای درمان می آید تبلیغ می کنم و این مانع از حضور من در نماز جمعه می شود. آیا این کار جایز است؟

ج / إذا تحققت فيك شروط الجمعة بما فيها المسافة فيجب عليك الحضور للصلاة، ومن لديه عمل يمكنه أن يفرغ نفسه ساعة أو أقل لصلاة الجمعة، وعلى خطباء الجمعة أن يختصروا خطبهم ويراعوا ظروف المؤمنين حفظهم الله، وجزاكم الله خير جزاء المحسنين.

پاسخ:

اگر شروط نماز جمعه از جمله مسافت برای شما محقق شود، حضور یافتن در نماز بر شما واجب می گردد. کسی که کاری دارد می تواند خودش را یک ساعت یا کمتر برای نماز جمعه فارغ کند و خطیبان باید خطبه هایشان را مختصر و شرایط مؤمنان خداوند حفظشان کند. را مراعات کنند. خداوند بهترین جزای نیکوکاران را به شما عطا فرماید.

س ۳۹ / أشكو مرضاً قلبياً يعيقني عن الحركة الكثيرة وعن أي جهد، هل يجوز أن أؤدي صلاة الظهر نهار يوم الجمعة، حيث يصيبني الإجهاد بالحضور لصلاة الجمعة المباركة؟ وهل هذا سبب شرعي يبرئ ذمتي أمام الله سبحانه؟

پرسش ۳۹:

از بیماری قلبی رنج می برم که حرکت زیاد و هر تلاش و کوششی را برایم دشوار کرده است. آیا می توانم به جای حضور در نماز جمعه، نماز ظهر روز جمعه را به جا آورم چراکه حضور در نماز مبارک جمعه برایم بسیار دشوار است؟ و آیا این سببی شرعی محسوب می شود که ذمه ام را نزد خداوند متعال بری نماید؟

ج/ لا تجب الجمعة على المريض الذي يمنعه مرضه من الحضور إلى صلاة الجمعة، وكل إنسان بصير بنفسه، وهو يحدد حاله إذا كان غير قادر على الحضور إلى صلاة الجمعة بسبب المرض وهو معذور، ويصلي الظهر إذا تبين له أنّ مرضه يعيقه عن الحضور إلى صلاة الجمعة.

پاسخ:

نماز جمعه بر بیماری که بیماری اش مانع حضورش در نماز جمعه باشد، واجب نیست و هر انسانی از وضعیت خودش آگاه است. او خودش وضعیتش را معین می‌کند؛ اگر به علت بیماری اش توانایی حضور در نماز جمعه را داشته باشد، معذور است و اگر مشخص شود که بیماری اش مانع حضورش در نماز جمعه می‌شود، نماز ظهر را بهجا می‌آورد.

س ۴۰ / بینی وبين صلاة الجمعة موانع من أنهار وبحيرات ولا تحصل وسائل عبور، وإن ذهبت ركباً أو ماشياً أقطع مسافة أكثر من (٢٠) كيلو متر، فهل تجب عليّ صلاة الجمعة أم أنّ الظهر تفي بها وتعوض عنها؟

پرسش ۴۰:

بين من و مکان نماز جمعه موانعی از قبیل رودخانه و دریاچه وجود دارد و به وسیله‌ای برای عبور از آنها دسترسی ندارم و اگر بخواهم پیاده طی مسیر کنم باید بیش از ۲۰ کیلومتر راه طی کنم. آیا نماز جمعه بر من واجب است یا نماز ظهر به جای آن کفایت می‌کند و عوض آن محسوب می‌گردد؟

ج/ إذا كان بينك وبين صلاة الجمعة (٢٠) كيلو متراً، فلا يجب عليك الحضور وإن كان حضورك خيراً لك إذا توفرت وسائل النقل والعبور، واعلم أنّ الأجر على قدر المشقة.

پاسخ:

اگر بین شما و نماز جمعه ۲۰ کیلومتر فاصله باشد حضورتان واجب نیست هر چند اگر وسایل عبور و مرور برایتان فراهم باشد، حضورتان بهتر است. بدان که اجر و ثواب متناسب با مشقت و سختی خواهد بود.

س ۴۱ / في بعض الأحيان، قد تحدث زلازل كثيرة أو متعددة في نفس اليوم أو نفس الساعة، فهل تجزي فيها صلاة واحدة أم لكل زلزلة صلاة؟

پرسش ۴۱:

گاهی زلزله‌های بسیار یا متعدد در یک روز یا یک ساعت رخ می‌دهد. آیا یک نماز برای همه آن‌ها کفایت می‌کند؟ یا برای هر زلزله یک نماز لازم است؟

ج/ تكفي صلاة واحدة، فالهزات الأرضية التي تأتي بعد الهزة الأولى عادة تكون ارتدادات نفس الهزة الأرضية الأولى، وحتى لو لم تكن كذلك فتكفي صلاة واحدة لعدة زلازل في نفس اليوم.

پاسخ:

یک نماز کفایت می‌کند و لرزش‌هایی که بعد از لرزش اول می‌آیند، معمولاً پس‌لرزه‌های حرکت‌های همان لرزش اول محسوب می‌شوند؛ و حتی اگر این‌گونه نباشد نیز، یک نماز برای زلزله‌هایی که در همان روز اتفاق می‌افتند کفایت می‌کند.

س ۴۲ / كيف أصلي جماعة خلف إمام لا يؤمن بالدعوة ؟

پرسش ۴۲:

چطور پشت سر امامی که به دعوت ایمان ندارد نماز بخوانم؟

ج/ لا تأتم بصلاتك بغير المؤمن، فإما أن تصلي منفرداً أو إماماً أو مأموماً خلف مؤمن.

پاسخ:

در نمازت به فرد غیر مؤمن اقتدا نکن. نمازت را فرادی بخوان یا امام باش و یا به پیش‌نماز مؤمن اقتدا کن.

س ۴۳ / هل يحرم لمن لديه وشم أن يكون إماماً في الصلاة ؟

پرسش ۴۳:

آیا حرام است کسی که خال‌کوبی دارد امام جماعت شود؟

ج/ ليس حراماً.

پاسخ:

حرام نیست.

س ۴۴ / عملت وشمأ في ذراعي الأيسر منذ عشر سنوات، والوشم يبدأ من الكتف حتى الذراع، وعمري الآن ۳۱ سنة، وأريد أن أعرف ما حكم الصلاة بهذا الوشم؛ حيث إن إزالته تحتاج لعملية جراحية، وهل من الضروري إزالته أم ماذا أعمل؟
پرسش ۴۴:

روی بازوی راستم ۱۰ سال پیش خال کوبی کردم و خال کوبی از کتف تا بازو است. اکنون ۳۱ سال دارم. می‌خواهم بدانم حکم نماز با این خال کوبی چیست؟ زیرا برداشتن آن به جراحی نیاز دارد و آیا برداشتن آن ضروری است؟ من چه کنم؟!

ج/ ليس ضرورياً الآن أن تزيله، ولا يضرّ بالصلاة وجوده ببدك.

پاسخ:

در حال حاضر ضرورتی ندارد که آن را برداری. وجود آن در دستت آسیبی متوجه نماز نمی‌کند.

س ۴۵ / أحياناً كثيرة، لا يمكننا أن نؤدي الصلاة بصورتها الصحيحة التامة بسبب كوننا نعيش بين أهلنا وهم غير مسلمين، فهل يمكن أداء الصلاة تقية عن جلوس كحالة المتأمل وبدون تحريك الجسم، أم يجب علينا قضاؤها بطريقتها الصحيحة في وقت آخر نتمكن فيه من الصلاة، وماذا لو طال عدم توفر الوقت أسابيع؟

پرسش ۴۵:

بسیاری مواقع نمی‌توانیم نماز را به صورت صحیح و کامل ادا کنیم زیرا ما با خانواده‌مان زندگی می‌کنیم و آن‌ها مسلمان نیستند. آیا می‌توانیم از روی تقیه نشسته نماز بخوانیم مانند حالت فکر کردن و بدون حرکت بدن- یا واجب است که آن را به طریق صحیح در وقت دیگری که توانایی نماز خواندن داشته باشیم قضا کنیم؟ اگر تا چند هفته توانایی نماز خواندن نداشته باشیم چه تکلیفی داریم؟

ج/ يمكنك أن تصلي وأنت جالس، وتشير بما يمكنك للركوع والسجود حتى وإن كان بعينيك إذا لم تتمكن مما هو أكثر من ذلك.

پاسخ:

می‌توانی نشسته نماز بخوانی و هر طور می‌توانی برای رکوع و سجده اشاره کن حتی اگر با چشمانت باشد، اگر بیش از آن توانایی نداشته باشی.

س ٤٦ / الأنصار في غرفة البالتوك قالوا إنه عند قضاء الصلوات في ليلة القدر
نبدأ بصلاة الظهر وننهيه بصلاة الصبح، فهل هذا صحيح؟
پرسش ٤٦:

انصار در پالتاک گفته‌اند که برای قضای نمازها در شب قدر از نماز ظهر
آغاز و به نماز صبح ختم کنیم؛ آیا به این صورت صحیح است؟

ج/ ابدأوا بصلاة الفجر.

پاسخ:

با نماز صبح آغاز کنید.